

خودشناسی و خودسازی از منظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه^۱

حسین حسینی^۲

چکیده

خودسازی به عنوان جهاد اکبر، از وظایف مهمی است که هر فرد باید در حد وسع و توان خویش بکوشد تا عزت خود، خانواده و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند را اعتلای بخشد. خودسازی می‌تواند در ابعاد جسمی، روحی، فکری، اخلاقی، ایمانی و اعتقادی صورت پذیرد. برای وصول به مرحله خودسازی لازم است فرد ابتدا خود را در تمامی ابعاد وجودی بشناسد که ثمره‌ی آن، معرفت الله است. بدون تردید، رسیدن به وضعیت مطلوب و ایده‌آل بدون شناخت انسان به عنوان موضوع تربیت امکان‌پذیر نیست. از نظر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، معرفت نفس، تزکیه، تهذیب، محاسبه نفس، رعایت تقوا، عمل به دستورات و معارف دینی از اصول اساسی خودسازی است و راه‌هایی مانند رعایت اخلاق، تعقل و اندیشه، عبادت، توبه، یاد مرگ، پرهیز از دنیا دوستی، شهوت پرستی، امیال و آرزوها، اجتناب از فخر فروشی و تکبر و خودبینی آمده است. از نظر امام علی علیه السلام، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می‌شود و مقصود این نیست که هرگاه انسان بخواهد خود را بسازد و به اصلاح خویش خویش پردازد، باید از اجتماع دوری گزیند و انزوا و گوشه نشینی اختیار کند. در این مقاله، بررسی و تحلیل محتوای سخنان امام علی علیه السلام درباره اهمیت و ضرورت خودشناسی و خودسازی و سلسله مراتب و راه‌آورد آن در نهج البلاغه، با روش تحقیق کتابخانه‌ای آمده است.

واژه‌های کلیدی: خودشناسی، خودسازی، تقوی، نفس، نهج البلاغه.

۱. تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۸

۲. دکتری برنامه‌ریزی درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان hassani.hossaini@yahoo.com

مقدمه

نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، فروتر از کلام خدا و فراتر از سخن بشر، مجموعه‌ای منتخب از «خطبه‌ها»، «نامه‌ها»، «حکمت‌ها»، «وصایا» و «نیایش‌ها و دعاها» آن حضرت است که سید رضی گردآوری کرده است. در این گنجینه‌ی گهربار، مفاهیم ژرف آسمانی در واژگان زمینی به بشریت هدیه شده است تا آدمی پله پله به سوی خدا راه یابد و در این جهان آن سان زندگی کند که دنیا و آخرت را برای خویش فراهم آورد. از آنجا که بنیان‌های اخلاقی و دستوره‌های زندگی ساز امام علی علیه السلام، جاودانه و همیشگی است و بنیادی‌ترین روش ارشاد جامعه، روی آوردن به اصلاح نفس است، انسان بیش و پیش از دیگران باید به عیب‌های خویش پردازد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۷) و کسی که فهرستی از خطاهای خود را همیشه در نظر داشته باشد، فرصتی برای عیب‌جویی از دیگران نمی‌یابد. (نهج البلاغه، حکمت ۷۳)

پژوهش حاضر که به بررسی جایگاه خودشناسی و خودسازی در نهج البلاغه اختصاص یافته است، با روش تحقیق تحلیل محتوا انجام شده است. برای انجام این نوشتار، تمام خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، مطالعه شده است و عبارات مرتبط با خودشناسی و خودسازی استخراج شده است.

۱. ضرورت و اهمیت خودسازی

هرگاه خداوند توفیق عنایت فرماید و شخص بتواند خودسازی و تزکیه نفس را به مرحله‌ای برساند که جزو زهد شود، راه سعادت را پیموده و به سر منزل مقصود رسیده است. خوشا به حال چنین بنده‌ای که لطف پروردگار شامل حالش شده و توفیق بندگی و اطاعت پیدا کرده است و زاهدترین مردم علی علیه السلام است (مصطفوی، ۱۳۱۷، ص ۱۵۵). حضرت علی علیه السلام در بیان ضرورت خودسازی رهبران و مدیران می‌فرمایند: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

کسی که خود را شناخت، در پی اصلاح و ساختن خود برمی‌آید و بجای عیب‌جویی

از دیگران به خودسازی و عیب جویی از خود می‌پردازد حضرت در رابطه با ضرورت خود سازی می‌فرماید: «... خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده خود پردازد و غذای حلال خود را بخورد، و به اطاعت پروردگار مشغول باشد و بر خطاهای خویش بگرید و همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶). همچنین حضرت در رابطه با ضرورت خودشناسی که مقدمه‌ای بر خودسازی می‌فرماید: «نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹)». البته خودشناسی امری درونی نیست، بلکه کسب اطلاعاتی برای شناخت هرچه بیشتر خود است و سه مرحله دارد: الف) خودشناسی خلقتی، یعنی شناخت استعدادهای به کار رفته در آفرینش انسان و کیفیت تکوین او؛ ب) خودشناسی دنیوی؛ یعنی شناخت موقعیت و جایگاه خود در دنیا؛ ج) خودشناسی اخروی یعنی شناخت سرانجام حیات خود. خودشناسی خلقتی مقدم بر خداشناسی و خداشناسی مقدم بر خودسازی است. ثمره خودشناسی و خداشناسی در خودسازی و تربیت خود ظاهر می‌شود. بدون شناخت انسان به عنوان موضوع تربیتی امکان گذر از وضعیت موجود و رسیدن به وضعیت مطلوب وجود ندارد (اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). حضرت در بیان مفهوم خودشناسی دنیوی چنین می‌فرماید: «او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد گردید... و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد و به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و به هنگام سرکشی رامش کند که: «همانا نفس همواره به بدی و می‌دارد جز آن که خدا رحمت آورد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳). آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «از پند دادن به نفس خویش هیچ گونه کوتاهی نداشته، از خوشرفتاری با سپاهیان و کمک به رعایا و تقویت دین خدا، غفلت نکنید» (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

۲. خودشناسی و محاسبه نفس

از جمله مسائلی مهمی که در نهج البلاغه مورد توجه قرار گرفته است؛ مسأله «خود»

است. از نظر علی علیه السلام، انسان موجودی است دارای «خود» و با استعدادهای گوناگون که باید قدر آن را شناخته و آن را به سوی تعالی و کمال بکشانند. شناخت قدر و منزلت خود، نشانه تعالی و رشدیافتگی انسان است (نصری، ۱۳۷۱). به نظر می‌رسد، از مهمترین سفارش‌ها، معرفت و شناسایی انسان نسبت به خودش است؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳). معصومین خودشناسی را تا آنجا مهم می‌دانند که آن را وسیله نجات از گمراهی و تاریکی‌ها معرفی کرده‌اند. برای انجام این مهم، انسان پای بند یک مکتب فکری، نیازمند تفکر و تعقل و اندیشه کردن است. آن‌گاه که به گوهر خودشناسی دست پیدا می‌کند، نیازها، قدرت‌ها، قدر و اندازه‌اش را شناخته می‌باید که ایمان به قدرت لایزال که برطرف‌کننده‌ی همه نیازهای او و بالا برنده‌ی او به سوی کمال و رشد است، لازم و ضروری است (افتخارزاده، ۱۳۸۶، ص ۷). مباحث خودشناسی و در پس آن خودسازی، با تزکیه نفس سخت در هم تنیده‌اند. از این‌رو پرداختن به محاسبه نفس، بُعدی از مراحل خودسازی است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «پس آن کس که جز به حساب نفس خویش پردازد، خود را در تاریکی‌ها سرگردان و در هلاکت افکننده است. شیطان‌ها مهارش را گرفته و به سرکشی و طغیان می‌کشانند و رفتار زشت او را در دیده‌اش زیبا می‌نمایانند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «کسی که از خود حساب کشد، سود می‌برد و آنکه از خود غفلت کند زیان می‌بیند و کسی که از خدا بترسد ایمن باشد، و کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد، و آن که آگاهی یابد می‌فهمد، و آن که بفهمد دانش آموخته است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸). همچنین در جایی دیگر حسابرسی را یکی از صفات اهل ذکر می‌دانند: «پس اکنون به خاطر خودت، حساب خویش را بررسی کن؛ زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲). این مسأله چنان اهمیتی دارد که حضرت چندین بار به آن می‌پردازند: «کسی که از خود حساب کشد، سود می‌برد و آنکه از خود غفلت کند زیان می‌بیند و کسی که از خدا بترسد ایمن باشد و کسی که عبرت آموزد آگاهی یابد و آن که آگاهی یابد می‌فهمد و آن که بفهمد دانش آموخته است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸). «خودشناسی تنها

در بعد اخلاقی مطرح نیست، بلکه شامل تمام ابعاد وجودی انسان اعم از مادی و معنوی می شود و اگرچه نتیجه آن تنها اخلاقی و معنوی است، اما برای گزینش مناسب در حیطة روح و روان، انسان باید خود را به طور کامل بشناسد. بنابراین گستره مفهوم خودشناسی تمام ابعاد وجودی انسان را شامل می شود (اعرافی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵). آنچه آن که آن حضرت فرموده اند که فرد باید خود را مورد حساب و کتاب قرار داده و از تمامی ابعاد وجودی چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی خویشتن را مورد نقد و بررسی قرار دهد:

«بندگان خدا خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید و پیش از آنکه راه گلو گرفته شود نفس راحت بکشید و پیش از آنکه با زور شما را به اطاعت وادارند، فرمانبردار باشید. بدانید همانا آن کس که خود را یاری نکند و پند دهنده و هشدار دهنده خویش نباشد، دیگری هشدار دهنده و پند دهنده او نخواهد بود» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰).

اینکه حضرت علی (ع) می فرمایند کسی که خود را یاری نکند و هشداردهنده و پنددهنده‌ی به خود نباشد، دیگران نیز بیم دهنده و پند دهنده‌ی او نخواهند بود، مؤید این نکته است که وجود مریبان خارجی لازم است، ولی کافی نیست، هرکسی باید خودش سمت مربی‌گری خود را داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۳). هرکس باید در خودش حالت (مربی‌گری) نسبت به خودش پیدا شود، دو شخصیت پیدا کند: از یک نظر فرمانده باشد و از یک نظر فرمان پذیر، از یک نظر پنددهنده باشد و از یک نظر پند پذیر، از یک نظر ملامت‌کن باشد و از یک نظر ملامت پذیر، از یک نظر حساب‌کش باشد و از نظر دیگر حساب ده (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۲).

۳. راه‌های خودسازی در نهج البلاغه

در نهج البلاغه، راه‌هایی را برای مقابله با هوای نفس و خودسازی بیان شده است که در ذیل به تبیین برخی از آن‌ها پرداخته می شود.

الف. بردباری

بردباری به معنی بر دوش گرفتن بار دیگران و تحمل در برابر ناملایمات افراد اجتماع است که البته باید همراه با دانش و آگاهی و هدفدار باشد، وگرنه زیر بار زور و ستم دیگران خواهد بود (جعفری، ۱۳۸۰، ص ۳۸۸). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این رابطه می فرمایند: «بردباری پرده‌ای است پوشاننده و عقل شمشیری است بر آن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بپوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۴)

ب. دوری از معاصی

آن حضرت می فرمایند: «ترک گناه آسان تر از در خواست توبه است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷). ایشان در این باره در حکمت ۴۱۲ فرموده است: «در تربیت خویش تو را پس که از آنچه بر دیگران نمی پسندی دوری کنی».

ج. تقوای حضور در برابر تقوای پرهیز

مفهوم تقوای حضور، مرز مکانتی را می توان در نامه حضرت علی علیه السلام به عثمان بن حنیف فرماندار بصره برداشت کرد: «و لو شئت لاهتدیت الطریق الی مصفی هذا العسل و لباب هذا القمح، و نسائج هذا القرّ، و لکن هیهات أن یغلبنی هوای، و یقودنی جشعی الی تخیر الأطمعة» (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

عسل، مغز گندم، لباس ابریشمی. این اوج زهد و پارسایی است که در این فراز آمده است و این امر نشان می دهد که اینها در اطراف علی علیه السلام هست. بهترین عسل ها، بهترین لباس ها، بهترین نان ها از سراسر دنیا به مدینه سرازیر است، ولی نگاه نمی کند! (ظاهریان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳). بدون تردید، آن کس که گرفتار بخل و حرص و آز است، مغلوب یک امر طفیلی است و اختیارش از کف خودش بیرون شده است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۴۷).

از کلمه «شئت»، جایگاه رفیع و تأثیر خاص اراده در تربیت و اصلاح نفس، مشخص می شود و اینکه عوامل مؤثر در تربیت زیاد است، ولی مهمترین عامل، اراده و خواست

خود انسان است (طاهریان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸). در عصر حاضر با وجود بیش از هزاران شبکه‌ی ماهواره‌ای و رسانه‌ها و سایت‌های اینترنتی مستهجن، گرایش‌ها و انحرافات اعتقادی و فکری و دینی که بخصوص در میان نوجوانان جامعه امروزی نفوذ کرده است، اهمیت و ضرورت بیش از پیش تقویت اراده که بالاترین جایگاه در تهذیب نفس دارد را نمایان می‌سازد. از این رو امام علی (ع)، خودسازی را در متن جامعه جستجو می‌کند نه مانند عرفا در خلوت و خلسه. نه مثل فلاسفه در اصطلاحات ذهنی؛ زیرا آنحضرت راه خدا را می‌جوید و به گفته شهید مطهری (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۸) راه خدا از میان خلق می‌گذرد (طاهریان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹-۱۳۸). در تقوای پرهیز، مرز، صورت «مکانی» دارد؛ اما در تقوای حضور، مرز، شکل «مکانتی» می‌یابد. در مرز مکانتی، فرد فاصله مکانی نمی‌گیرد؛ بلکه در عین حضور در مکان، خود را در مرتبت و مکانتی فراتر می‌بیند و به این طریق، از آلودگی شرایط مصون می‌ماند (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۷). امام علی (ع) در همین پرهیزها و در همین مبارزه با سیری ظالم و دفاع از مظلوم، خودسازی را جستجو می‌کند. اگر در انتظار روزی بسر ببریم که همه عوامل بیرونی از هر جهت آماده باشد و آن عوامل بیرونی سازنده باشند، انتظار بی‌جایی است. این چنین فضایی یا فراهم نخواهد شد یا به ندرت زمینه‌هایش پیش می‌آید. با توجه به این مسائل است که تقویت اراده مهمترین راه برای خودسازی به شمار می‌رود (طاهریان، ۱۳۸۰، ص ۱۳۹-۱۳۸). حضرت امیر (ع) در بسیاری از خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها انسان‌ها را به پرهیزگاری و تقوا سفارش می‌کنند، به گونه‌ای که در صدر سخنان ایشان قرار می‌گیرد. در زیر نمونه‌هایی از این بیانات آمده است:

- «پس ای بندگان خدا از خدا بترسید و از خدا، به سوی خدا فرار کنید و از راهی که برای شما گشوده بروید و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده، به پا دارید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴).
- «آن چه بر اساس تقوا پایه‌گذاری شود، نابود نشود. کشتزاری که با تقوا آبیاری شود، تشنگی ندارد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).
- «پس ای بندگان خدا پرهیزید، چونان پرهیز کسی که به نفس خود چیره و بر شهوات خود پیروز و با عقل خود به درستی می‌نگرد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

- «ای بندگان خدا شما را به ترس از خدا سفارش می‌کنم، و از دنیاپرستی شما را می‌ترسانم (خطبه ۱۹۶)».
- «ای بندگان خدا شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم که عامل کنترل و مایه استواری شماست، پس به رشته‌های تقوا چنگ زنید (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵)».
- «ای بندگان خدا شما را به پرهیزکاری سفارش می‌کنم. پس گوش جان را به ندای تقوا بسپارید و برای بدست آوردن آن تلاش کنید. تقوا را به جای آنچه از دست رفته به دست آورید و عوض هر کار مخالفی که مرتکب شده‌اید انتخاب کنید. با تقوا خواب خود را به بیداری تبدیل و روزتان را با آن سپری کنید. دل‌های خود را با تقوا زنده کنید و گناهان خود را با آن شستشو دهید. بیماری‌های روان و جان خود را با تقوا درمان و خود را آماده سفر آخرت گردانید. از تباہ کنندگان تقوا عبرت بگیرید و خود عبرت پرهیزکاران نشوید. آگاه باشید تقوا را حفظ کنید و خویشتان را با تقوا حفظ نمایید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱).

د. اعمال نیکو

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «ای بندگان خدا از خدا پرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید، با چیزهای فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان می‌ماند خریداری کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴).

ه. بازبینی عیوب خویشتن بجای سرزنش دیگران

امام علیه السلام در سال ۳۵ هجری پس از بیعت مردم با ایشان، در اولین سخنرانی می‌فرماید: «... جز پروردگار خود، دیگری را ستایش نکنید و جز خویشتن خویش دیگری را سرزنش ننمایید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶). حضرت علی علیه السلام در گفتار کوتاه و پر معنایی دیگر، می‌فرماید: «جَهْلُ الْمَرْءِ بِعُيُوبِهِ مِنْ أَكْبَرِ ذُنُوبِهِ؛ ناآگاهی انسان نسبت به عیوبش از بزرگترین گناهان اوست» (مجلسی، ۱۴۱۲، ج ۷۴، ص ۴۱۹).

و. بازگشت پس از زشتی‌ها

در خطبه شانزدهم نهج البلاغه آمده است: «مردم به خانه‌های خود روی آورید، مسایل میان خود را اصلاح کنید، توبه و بازگشت پس از زشتی‌ها میسر است».

ز. خودشناسی مقدمه‌ی خودسازی

آن حضرت می‌فرمایند: «... نادانی انسان همین بس که قدر خویش نشناسد...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

ح. یادآوری مرگ

نقش یاد مرگ در خودسازی، در بیانات امام علی علیه السلام چنین آمده است: «اگر بنده خدا أجل و پایان کارش را می‌دید، با آرزو و فریب آن دشمنی می‌ورزید» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۴). در جایی دیگر می‌فرمایند: «بهوش باشید، مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و شکننده شهوت‌ها و قطع‌کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، به یاد آورید و برای انجام واجبات و شکر در برابر نعمت‌ها و احسان بی‌شمار الهی، از خدا یاری خواهید» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹). همچنین آن حضرت می‌فرمایند: «ای مردم، شما را به پرهیزگاری و شکر فراوان در برابر نعمت‌ها و عطا‌های الهی و احسانی که به شما رسیده سفارش می‌کنم... مردم شما را به یادآوری مرگ، سفارش می‌کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸).

ط. ضرورت ستایش پروردگار

در خطبه ۴۵ نهج البلاغه آمده است: «ستایش خداوندی را سزااست که کسی از رحمت او مأیوس نشود و از نعمت‌های فراوان او بیرون نتوان رفت، خداوندی که از آمرزش او هیچ گنهکاری ناامید نشود و از پرستش او نباید سرپیچی کرد. خدایی که رحمتش قطع نمی‌شود و نعمت‌های او پایان نمی‌پذیرد». بنابراین انسان در هر شرایطی باشد و هر قدر آلوده به گناه شود، باز باید به سوی خدا برگردد و از رحمتش مأیوس نباشد که این یأس و کفر و ضلالت و بزرگترین گناه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۰۲).

۴. موانع تکامل و خودسازی

در نهج البلاغه برخی موانع تکامل انسان به شرح ذیل آمده است.

الف. آرزوها، شهوت پرستی ها و هوی پرستی ها

در فرازهای متعدد نهج البلاغه این مطلب به فراوانی آمده است که در ذیل به برخی از آن ها پرداخته می شود.

- «ای مردم؛ همانا بر شما از دو چیز می ترسم: هواپرستی و آرزوهای طولانی، اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می برد» (نهج البلاغه، خطبه ۴۲).

- «... و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد و به او فرمان می دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد و به هنگام سرکشی رامش کند که همانا نفس همواره به بدی و اذیت می دارد جز آنکه خدا رحمت آورد» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

- «ای اسیران آرزوها، بس کنید؛ زیرا صاحبان مقامات دنیا را تنها دندان روزگار به هراس افکند، ای مردم کار تربیت خود را خود بر عهده گیرید و نفس را از عادت هایی که به آن حرص دارد باز گردانید» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۹).

- «بهوش باشید مرگ را که نابود کننده لذت ها و شکننده شهوت ها و قطع کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، به یاد آورید و برای انجام واجبات و شکر در برابر نعمت ها و احسان بی شمار الهی، از خدا یاری خواهید» (نهج البلاغه، خطبه ۹۹).

ب. خودبینی و خودبزرگ بینی

حضرت درباره تکبر و فخرفروشی که نقطه مقابل و آفت خودسازی و یکی از موانع اصلاح خویشتن است، می فرمایند: «فخر فروشی را کنار بگذار، تکبر و خود بزرگ بینی را رها کن، به یاد مرگ باش» (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۸).

«از تعجیل در عقوبت و کیفر سرکشی و ستم بر حذر باشید و از آینه دردناک ظلم و سر انجام زشت تکبر و خود پسندی که کمین گاه ابلیس است و جایگاه حيله و نیرنگ اوست،

بترسید. «نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲». امام علی می فرماید: «فخر فروشی را واگذار و از مرکب تکبر فرود آی» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳). در نهج البلاغه در کلمات قصار، از همان بزرگوار آمده است: «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ؛ کسی که (در سایه خود شناسی) برای خود، کرامت و شخصیت قائل است، شهواتش در نظرش خوار و بی مقدار خواهد بود (و به آسانی تسلیم هوی و هوس نمی شود)» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹).

ج. حب دنیا

در روایات اهل بیت علیهم السلام، گرایش به دنیا و دنیاگرایی نکوهش شده است و پیشوایان دین مؤمنان را به خطر آن توجه داده اند. از آنجا که گرایش و حب دنیا اساس همه انحرافات و گناهان است، باید حیطه های آن را شناخت و راه های پرهیز و در امان ماندن از آسیب های آن را شناخت (قلی پور گیلانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲). حضرت در این باره چنین می فرمایند: «همانا من شما را از دنیای حرام می ترسانم، زیرا در شهوات و خواهش های نفسانی پوشیده شده و با نعمت های زودگذر دوستی می ورزد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۱). در رابطه با هدف آفرینش و چگونگی زندگی دنیوی می فرمایند: «ای مردم، دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است. پس، اگر از گذرگاه خویش برای سر منزل جاودانه توشه برگیرید و پرده های خود را در نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است پاره نکنید، پیش از آنکه بدن های شما از دنیا خارج شود، دل هایتان را خارج کنید، شما را در دنیا آزموده اند و برای غیر دنیا آفریده اند» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳). البته همان طور که از دیگر سخنان حضرت علی علیه السلام و پیشوایان دینی برمی آید چنین نیست که انسان به طور تمام و کمال از دنیا و زندگی دنیوی قطع ارتباط کند و به امور جاری و زندگی اجتماعی خود نپردازد، بلکه منظور از حب دنیا، دنیا زدگی و دنیاگرایی است که مدموم و مطرود است.

۵. معرفت النفس و معرفت الله

عرفای اسلامی بر این مطلب تأکید دارند که معرفت نفس و معرفت الله از یکدیگر جدا نیستند. خود را شهود کردن هرگز از شهود خالق جدا نیست و این است معنی جمله

معروف رسول اکرم ﷺ که به همین مضمون از علی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۹۹) نیز رسیده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ» (مطهری، ۱۳۷۶، صص ۲۸۹-۲۸۸). تأمین این منظور مستلزم آن است که اسرار آفرینش انسان استنباط شود و برای رسیدن به هدف آفرینش نحوه خودشناسی و خودسازی شناخته شود و انسان در پایان بطور معقول و مشروع به سوی خدا سیر و سلوک کند و به مقام آدمیت رسد (ریوی، ۱۳۶۲، ص ۶). در تعریف مقام آدمیت آورده اند که در صورتیکه انسان خود را بشناسد و بداند که برای چه هدفی آفریده شده و راه رسیدن به هدف مذکور چیست و برای نیل به آن کنجکاوی و تلاش کند، بمقام آدمیت رسیده است (ریوی، ۱۳۶۲، ص ۶). در تهذیب نفس و خودسازی هر اندازه انسان عمر و سرمایه هزینه کند ارزشمند است، زیرا همه ی سعادت ها یعنی آن هایی که در واقع سعادت است، نه آن هایی که با دید کوتاه بین عوام سعادت محسوب می شوند، با خودسازی حاصل می شود (قلی پوگیلانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴). در اسلام یک سلسله دستورهایی وجود دارد که نوعی خودسازی برای مبارزه با آفات و خودخواهی ها و شهوت پرستی ها است. در خطبه همام نهج البلاغه، صفات و خصوصیات متقین از دیدگاه حضرت علی علیه السلام بدین شرح است:

«پرهیزکاران در دنیا کسانی هستند که دارای همه فضیلت هاینند، وقتی سخن می گویند راست می گویند و از دروغ اجتناب می ورزند، راه رفتن آن ها و نوع برخورد آن ها با دیگران بر اساس تواضع است، چشم های خودشان را از آنچه که خداوند برایشان حرام کرده است فرومی افکنند و گوش هایشان را وقف شنیدن علوم می کنند که برای آن ها مفید و سودمند است، به هنگام بلا همان گونه اند که به هنگام رفاه، آنچنان مردمی هستند که اگر نبود آن اجلی که خداوند برای هرکس مقدر کرده است که مرگ هرکس در شرایط خاص به او خواهد رسید، روحشان در این کالبد تنگشان حتی یک چشم برهم زدن باقی نمی ماند. از بس مشتاق بهشت هستند و از بس از جهنم می ترسند، خدای آفریدگار آنچنان در جان آن ها بزرگ تجلی کرده است که هرچه غیر خدا است در نظر آن ها کوچک و ناچیز است، رابطه اینان با بهشت چنان است که گویی بهشت را دیده اند و در آن متنعم هستند.

رابطه آن‌ها با جهنم آنچنان است که گویی جهنم را دیده‌اند و در آن معذب هستند، دل‌هاشان محزون است، مردم از شرشان در امان‌اند، بدنی نحیف دارند؛ آرزوهایشان کم و سبک است، جهان و نفس آن‌ها آمیخته با عفت، با نوعی پاکدامنی و با یک نوع خلوص است، روزگاری اندک استقامت کردند و بدن‌هایش راحتی طولانی نصیبشان شد، دنیا آن‌ها را طلب کرد، اما آن‌ها دنیا را طلب نکردند؛ دنیا به سراغشان آمد، اما آن‌ها به سراغ دنیا نرفتند، شب هنگام که می‌رسد در آن دل تاریک شب قدم‌های آن‌ها رو به خدا، استوار و آماده برای انجام عبادت است... و اما روز که می‌شود بردبار و حلیم‌اند، از اعمال کم خود راضی نیستند، هرگاه از آن‌ها تعریف کنند وحشت می‌کنند».

انسان وقتی خود را شناخت، شوق تحصیل کمالات و تزکیه نفس در او جوانه می‌زند و می‌کوشد رذایل اخلاقی را از نفس خویش دور گرداند (مصطفوی، ۱۳۱۷، ص ۲۵). قرآن کریم، نفس را از هوی نهی می‌کند و از این طریق می‌خواهد بفهماند انسان ضعیف است؛ چه بسا نادانی‌اش او را به هواهای نفسانی بکشانند. در روایتی از علی (ع) می‌خوانیم: «الشَّقِيُّ مَنِ اخْتَدَعَ لَهْوَاهُ وَ غُرُورِهِ؛ بدبخت کسی است که فریب هوی و غرور خویش را بخورد» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶). در حدیث دیگری از آن حضرت می‌خوانیم: «الهُوَى عَدُوُّ الْعَقْلِ؛ هوی دشمن عقل است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶۵).

۶. مراحل تکامل و خودسازی

اصلاح درون با آراسته شدن به فضایل اخلاقی، دوری از رذایل اخلاقی، تقویت ایمان و اعتقادات دینی و اراده، تفکر و کسب آگاهی پیرامون مسائل معنوی در حوزه هستی‌شناسی و خداشناسی و انسان‌شناسی را می‌توان از جمله مراحل وصول به خودسازی دانست. حضرت امیر (ع) در رابطه با مراحل تکامل و تحمل سختی‌ها و مشقات در پاسداری از دین که در سایه همین معرفت نفس است، می‌فرماید:

«خویشاوندان ما از قریش می‌خواستند پیامبر اکرم (ص) را بکشند و ریشه ما

را در آورند و در این راه، اندیشه‌ها از سرگذرانندند و هر چه خواستند نسبت به ما انجام دادند و زندگی خوش را از ما سلب کردند و با ترس و وحشت به هم آمیختند و ما را به پیمودن کوه‌های صعب العبور مجبور کردند و برای ما آتش جنگ افروختند، اما خدا خواست که ما پاسدار دین او باشیم و شر آنان را از حریم دین باز داریم» (نهج البلاغه، نامه ۹).

۷. ره‌آورد خودسازی

حضرت به تربیت اجتماعی‌ای که انسان را به اصلاح رابطه‌اش با خدا و دیگران بکشانند معتقد است (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳). از نظر حضرت علی علیه السلام، خودسازی، تنها فردگرایانه نیست، بلکه در ارتباط با دیگران نیز مطرح می‌شود، ایشان می‌فرمایند: «کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است» (نهج البلاغه، حکمت ۸۹). معلوم می‌شود که نتیجه و پیامد اصلاح میان خود و خدا، اصلاح میان او و مردم است و این که خودسازی نتایج دنیوی نیز در پی دارد و خداوند امور دنیای او را اصلاح خواهد کرد. مشابه همین مطلب حضرت در جایی دیگر چنین آمده است: «کسی که نهان خود را اصلاح کند، خدا آشکار او را نیکو گرداند و کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید، و کسی که میان خود و خدا را نیکو گرداند، خدا میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳). در نتیجه می‌توان ره‌آورد خودسازی را چنین جمع بندی کرد: ۱. خداشناسی؛ ۲. اصلاح رابطه میان فرد و مردم؛ ۳. اصلاح امور دنیوی در پی اصلاح امور اخروی؛ ۴. حافظ و نگهبان بودن خداوند. به کلام عالم ربانی، مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، اگر آدمی بکوشد و عالم حس و مثال وجود خود را تابع عقل خود قرار دهد و توجه خود را به آن عالم، معطوف سازد و آن را از قوه به فعلیت درآورد، می‌تواند به موقعیت معنوی دست یابد و از شرافت و لذت و بهجتی برخوردار گردد که به قلب احدی خطوط نکرده است. اگر این دولت برای کسی دست دهد و به مقام معرفت نفس که مفتاح معرفت رب است، نائل آید، حجاب ظلمانی

را درنوردیده و به عوالمی سرشار از لذت‌های معنوی و بهجت و انبساط وارد می‌شود و حقایقی را می‌بیند که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به خاطر احدی خطور نکرده است (روحانی نژاد، ۱۳۸۹، ش ۱۸، ص ۹).

نتیجه‌گیری

از سخنان گهربار حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه درباره خودشناسی و خودسازی چنین برمی‌آید که برای حرکت در مسیر بندگی و حفظ حالات و روحیات معنوی و عرفانی، اعتلای رشد فکری و اعتقادی لازم است انسان قبل از هرچیز بر آگاهی‌های خویش بیفزاید، چراکه از مهمترین سفارش‌ها، معرفت و شناسایی انسان نسبت به خودش است، آنگاه مسیر معنوی خویش را آغاز کند و در میدان عمل و خودسازی به بالاترین مقام و درجه تکامل بیندیشد و با توکل، به تقویت اراده، اصلاح درون، کسب فضایل اخلاقی، دوری از رذایل اخلاقی، تقویت ایمان و اعتقادات دینی و اراده، تفکر و اندیشه پردازد. انسان باید نفس خویش را با پرواداری از گرفتاری در پستی‌ها و رذالت‌ها برهاند، به محاسبه آن پردازد و مربی خویشتن باشد، هم حساب‌کش باشد و هم حساب‌ده، هم فرمان‌ده باشد و هم فرمان‌پذیر، هم پندده باشد و هم پندپذیر، هم ملامت‌کن باشد و هم ملامت‌پذیر. از دیدگاه نهج البلاغه کسی که به اصلاح خود می‌پردازد قبل از آنکه بر دیگران خرده گیرد و اطرافیان خویش را مورد نقد و سرزنش قرار دهد و به عیب‌جویی از آنان برخیزد، ابتدا خویشتن را در معرض انتقاد قرار می‌دهد تا با ساختن خود بتواند جامعه خود را بسازد. اصلاح جامعه در گرو اصلاح خود فرد است. از سوی دیگر برای اصلاح دیگران، هیچ چیز به اندازه‌ی عمل، مؤثر و مفید واقع نمی‌شود. حضرت علی علیه السلام خودسازی را در متن جامعه جستجو می‌کنند نه در انزواطلبی و دوری از اجتماع؛ چون یک بعد خودسازی در ارتباط با دیگران معنا پیدا می‌کند. نتیجه اصلاح رابطه میان خود و خدا، اصلاح رابطه میان خود و مردم است. آنچنان که حضرت اشاره می‌فرمایند خودسازی آنجایی نمود و بروز می‌یابد که فرد در متن جریان‌های فاسد و در فضاهایی تحمیلی که پیشاپیش امکان پرهیز از او گرفته شده است حضور دارد، ولی خود را در مقام و مرتبه بالاتری می‌یابد و از آلودگی محیط مصون می‌ماند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
 - نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر. ۱۳۸۸
- الف. کتب
۱. اعرافی، علیرضا، و همکاران. درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲) // اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت، ۱۳۸۷، چاپ دهم.
 ۲. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، تهران: مدرسه، ۱۳۸۴، چاپ سوم.
 ۳. جعفری، سید محمد مهدی. ۱۳۸۰، آموزش نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۴. ربوبی، جواد، مقام آدمیت (خودشناسی، خودسازی و سیر وسلوک بسوی خدا)، اقبال، ۱۳۶۲.
 ۵. طاهریان، محمد. درس‌هایی از نهج البلاغه، تهران: عابد، ۱۳۸۰.
 ۶. قلی‌پور گیلانی، مسلم. در سایه سار نهج البلاغه، اداره کل امور فرهنگی و هنری (کارشناسی معارف اسلامی)، تهران: برگ نفیس، ۱۳۷۹.
 ۷. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۱۲ق.
 ۸. مطهری، مرتضی، حکمت‌ها و اندرزها، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات صدرا، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۸۹
 ۹. _____، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا، چاپ چهل و پنجم، ۱۳۸۹
 ۱۰. _____، فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و چهارم، ۱۳۸۹
 ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. پیام امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.
 ۱۲. نصری، عبدالله. سیمای انسان کامل از دیدگاه مکتب، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- ب. مقالات
۱. افتخارزاده، شمس. «انسان سالم از دیدگاه قرآن و حدیث»، سفینه، سال پنجم، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۶، ص ۷.
 ۲. بهشتی، سعید، محمدعلی افخمی اردکانی، «تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه»، تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۳.
 ۳. روحانی‌نژاد، حسین. «گام‌هایی در مسیر خودسازی»، دوماهنامه تربیتی اخلاقی خلق، شماره ۱۸، مرداد و شهریور ۸۹، ص ۶-۹.